



کارگران ضد سرمایه داری / اردیبهشت ۱۴۰۱

تأثیرپذیری عمیق کارگران از راهبردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی طبقه سرمایه دار و متفکرینش، چرخ خوردن در راه حل‌های اپوزیسیون‌های چپ و راست، مذهبی و لائیک، سلطنت طلب و جمهوریبخواه این طبقه، پدیده شوم آوار بر سر طبقه ماست. در جامعه‌ای که شیرازه زندگی و موجودیت انسانها به خرید و فروش نیروی کار گره خورده است و سرمایه بر روند کار و زندگی تسلط تام و تمام دارد وقوع این امر کاملاً طبیعی است. فرهنگ مسلط بر جامعه، فرهنگ طبقه مسلط است. مبارزه علیه فرهنگ ضد کارگری حاکم، بخشی ضروری از مبارزه علیه نظام سرمایه داری است. به مهم‌ترین نکات این جدال طبقاتی نگاهی بیندازیم:

۱- کار مزدی یا رابطه خرید و فروش نیروی کار، پایه موجودیت نظام سرمایه داری است. راهبردهای متنوع طبقه سرمایه دار بر این شاخص بنیادی، خط می‌کشند. این رویکردها، سرمایه داری را با دولتی و خصوصی بودن، با آزادی و انحصار رقابت، توضیح می‌دهند!! مادام که در بخش عمده جامعه، نیروی کار خرید و فروش می‌شود، هنگامی که پروسه کار و تولید، اینکه چه تولید شود و چه تولید نشود، به چه میزان تولید شود، چگونگی توزیع محصول کار و کل مسائل مربوط به کار و تولید از بالای سر کارگران برنامه‌ریزی می‌شود، مناسبات اقتصادی و اجتماعی، به هر شکل و شمایی که باشد، سرمایه داری است.

۲- در روند کار، ابزار و ماشین‌آلات، هیچ ارزش جدیدی نمی‌آفرینند، صرفاً ارزشی برابر با مقدار مصرف شدنشان، به محصول کار منتقل می‌شود. این فقط و فقط نیروی کار است که با مصرفش، ارزش جدید می‌آفریند. سهم ناچیزی از این ارزش جدید، مزد کارگران است و سهم عظیم مابقی، اضافه ارزشی است که نصیب طبقه سرمایه دار می‌گردد. در دیدگاه طبقه سرمایه دار، سرچشمه سودها منحصر به کار طبقه کارگر نیست، منشأ اضافه ارزش در تفاوت میان بهای تمام شده کالاها با قیمت فروش آنها نهفته است!!

۳- با کار مزدی، هر نوع دخالتگری انسانی درباره پروسه کار و سرنوشت محصول کار از کارگر سلب می‌گردد. معیشت، درمان، آموزش، حقوق اجتماعی، سیاسی، سلامت جسمی، روانی و همه چیز انسانها قربانی سود و گسترش سرمایه می‌شود. سرمایه به تمام قلمروهای اجتماعی بسط می‌یابد. سیاست، حقوق، قانون، فرهنگ، مذهب، ارتش، پلیس، سازمانهای اطلاعاتی، ناسیونالیسم،

فایشیسم، لیبرالیسم، صندوق رأی، دولت، پارلمان، قوه قضائیه و همه اینها را جزئی از وجود خود و ساز و کار بقایش می‌سازد.

در اینجاست که آشتی‌ناپذیری ریشه‌ای و مبارزه طبقاتی توده‌های کارگر علیه سرمایه‌داری شکل می‌گیرد. مبارزه و جنبشی که تا کنون به دو نوع متفاوت و متمایز در محتوا و شکل روی داده است. یکی از «هستی اجتماعی» و طبقاتی کارگران می‌جوشد، تجلی شعور مستقل، اراده آزاد و هستی آگاه و انقلابی آنها است. اعتراض به نفس کارگر بودن و کار مزدی، اتکا به قدرت جمعی شورائی علیه طبقه سرمایه‌دار، دولت و نظام سرمایه‌داری، اجتناب از آویختن به قانون، حقوق و نهادهای قدرت سرمایه، دوری از هر نوع تشکل بالای سر، برپائی یک جنبش شورائی سراسری ضد بردگی مزدی، شالوده این شکل از مبارزه است. دیگری آن است که سرمایه‌داری برای آنها نسخه‌پیچی می‌کند. آویختن به انتخابات و قانون، توسل به نهادهای حکومتی، سندیکا و حزب‌سازی، سرنگونی طلبی فاقد محتوای ضد کار مزدی پشت سر اپوزیسیونها، جایگزین‌سازی رژیم دیگر، آرایش و پیرایش سرمایه‌داری با شکلی متفاوت، از این جمله‌اند.

۴- رویکردهای سرمایه‌مدار در تکه پاره کردن طبقه کارگر به اصناف و حرفه‌های مختلف، به شاغل، بیکار و بازنشسته، اتفاق نظر دارند. رویکرد این طیف، جلوگیری از متحد شدن توده‌های طبقه کارگر است. از منظر آنها کارگران باید به برای بهبود وضع زندگی خود در چارچوب سلطه سرمایه‌داری چک و چانه بزنند و به مبارزه صنفی و قانونی روی آورند. اینان وجود تبعیضات جنسیتی، قومی و عقیدتی، آلودگی محیط زیست، فقدان آزادی‌های سیاسی و حقوق اجتماعی را به موجودیت سرمایه مرتب‌نمی‌دانند و یگانه دانستن مبارزه علیه این فجایع و علیه سرمایه را چپ‌روانه می‌شمرند!! در دیدگاه مشترک کل این طیف، کارگران فاقد آگاهی و شناخت برای دگرگونی ریشه‌ای زندگی خود هستند. محتاج قیام، ولی، رهبر می‌باشند. توده کارگران باید در جبهه‌ای متشکل از سرمایه‌داران، احزاب و شخصیت‌های ناراضی از رژیم سیاسی، متحد گردند و به هنگام فراخوان رهبران، پشت سر آنها برای سرنگونی رژیم صف بندند و متجیان خود را به قدرت رسانند. همان فاجعه‌ای که در سال ۵۷ اتفاق افتاد.

کارگر صنعتی و کشاورزی، کارمند، معلم، دستفروش، پرستار و خانه‌دار همگی اجزای طبقه کارگرند. توده کارگر به جای توسل به انتخابات و قوانین، دخیل بستن به مجلس و دولت، سندیکا، احزاب و اپوزیسیونها، باید مبارزات شورایی خود را به هم پیوند زنند. فقر، ستم بر زنان، تخریب محیط زیست، خفقان و استبداد، محصول سرمایه‌داری و پاسدار بقای این نظام می‌باشند، مبارزه در این عرصه‌ها سنگری از جبهه سراسری لغو کار مزدی است.

آگاهی سرمایه‌ستیزانه جزء جدانشدنی و خودجوش طبقه ماست، باید برای قوام و پختگی مبارزات شورایی خود بکوشیم و آنرا به جنبشی برای لغو کار مزدی ارتقا دهیم. رژیم ستیزی فاقد محتوای ضد

بردگی مزدی عوامفریبی است. برپایی هر گونه دولت با هر اسم و رسمی، استمرار بخشیدن به نهادی انگل، بالای سر و ضد بشری است.

بند بند هر راهکار مبارزه جاری طبقه کارگر به مبارزه علیه سرمایه‌داری گره خورده است. تاکتیک‌ها و انتظارات جنبش کارگری به هیچ وجه از دورنما و افق پیش روی این جنبش قابل تفکیک نیستند. این‌ها اجزاء ارگانیک و پیوسته هم می‌باشند.

در مبارزه با فقر و کسب رفاه اجتماعی، اصلاح شیوه توزیع!! گمراه‌بافی است. برنامه‌ریزی کار و تولید باید از چنگ طبقه سرمایه‌دار خارج شود. تعیین اینکه چه تولید شود و چه تولید نشود، به چه میزان تولید گردد، حاصل کار و تولید چگونه توزیع شود یا کلاً سرنوشت کار و تولید، حق شوراهای آحاد انسانها است. محصول کار و تولید اجتماعی باید صرف معیشت مرفه، بهترین شکل نگهداری از سالمندان، معلولان، بازنشستگان و ازکارافتادگان شود. آب، برق، گاز، خوراک و پوشاک، مسکن، تلفن، اینترنت، دکتر، دارو، بیمارستان، مهد کودک، مدرسه و دانشگاه، امکانات رفاهی جمعی، همه و همه باید به طور کامل از سیطره خرید و فروش خارج و حق بدون هیچ قید و شرط کل افراد جامعه اعم از شاغل یا جویای کار گردد.

در مورد کودکان، کلی‌گویی پیرامون لغو کار کودک بی‌حاصل است. مطالبه تضمین سهم برابر هر انسان از محصول کار اجتماعی، اساس نیاز والدین به کار کودکان را منتفی می‌سازد. تبعیضات جنسی بر زنان با «دستیابی به کرسیهای مدیریتی و مزد برابر در مقابل کار برابر» رفع نمی‌شود. باید هر شکل نابرابری میان زن و مرد در هر عرصه زندگی شخصی و اجتماعی، چندهمسری و ازدواج افراد زیر ۱۸ سال، ممنوع گردد. محو کار خانگی دستور مبارزه قرار گیرد و مادام که این شکل کار محو نشده، هرساعت کار در خانه، از بارداری و زایمان و پرورش کودکان گرفته تا آشپزی و نظافت و نگهداری از بیماران، ساعتی از زمان اشتغال محسوب شود و میانگین سهم هر انسان از محصول کار اجتماعی به آن تعلق گیرد.

راه مقابله با آلودگی محیط زیست مبارزه علیه اساس تولید برای سود است، تعطیل فعالیت‌های اقتصادی آلاینده محیط زیست، منع سرمایه‌شدن منابع طبیعی مانند جنگل، آب و زمین است. نبرد شورائی ضد سرمایه‌داری سراسری، دولت سرمایه را سرنگون می‌کند، کار مزدی را لغو، وجود طبقات و دولت را محو و اداره شورایی جامعه را مستقر می‌گرداند.

website
Email
telegram
instagram

www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
@ alayhesarmaye
@ alayhesarmaye